



## اعتراض های فزاینده کارگران معدن کرمان

بر اساس گزارش های رسیده معدن کرومیت آسمینون، که در منوجان کرمان فعالیت داشت، به بهانه کمبود سیمان، از ابتدای

سال ۱۴۰۰، تعطیل و ۱۲۰۰ کارگر آن بیکار شده‌اند. کارگران از سر بلا تکلیفی در سال جدید دست به اعتراض زدند. ۱۲۰۰ کارگر بیکار شده ۱۵ فروردین ماه از ساعت ۱۰ صبح تا ساعت ۱۸ عصر جاده بندرعباس - کهنوج را مسدود و از رفت و آمد وسایل نقلیه جلوگیری کردند. بر اساس همین گزارش ها مطالبات کارگران البته فقط مربوط بازگشت به کار نیست. کارگران اعلام کرده اند که حاضر نیستند با پیمانکاران قرارداد ببندند و خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و رعایت ساعات کار مقرر در قانون کار هستند. افزون بر این کارگران خواستار پرداخت منظم حقوق، دیگر مولفه های مزدی و عرف کارگاه از

ادامه در صفحه ۳

# نامه مردم ازگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۶، ۳ خرداد ماه ۱۴۰۰



## اصلاح دوباره قانون کار! علت چیست؟

در مقابله با جنبش کارگری و برای تضمین ادامه حالت تهاجمی در برابر آن، خامنه ای در ۳۰ اسفندماه ۹۹ با نام گذاری سال جدید زیر

عنوان: "تولید؛ پشتیبانی ها، مانع زدایی ها"، یورش تازه به معیشت و امنیت شغلی زحمتکشان با ترفند قدیمی "رفع موانع تولید" به راه انداخت. بعد از صدور فرمان از سوی ولی فقیه، نماینده بوشهر در مجلس روز ۱۱ فروردین ماه با تأکید بر نام گذاری سال جدید، گفت: "یکی از مشکلات ما در بحث تولید موضوع قانون کار است که اگرچه در ظاهر از کارگر حمایت می کند اما به شدت ضد تولید و ضد اشتغال است." اگر در سال های دهه ۱۳۸۰ "رفع موانع تولید" با به اصطلاح اصلاح قانون کار آغاز می شد، بعد از سه دهه اجرای خشن برنامه های تعدیل ساختاری اکنون بیش از ۹۰ درصد نیروی کار کشور با قراردادهای موقت مجبور به کار هستند. همچنین غارت اندوخته های کارگران در سازمان تأمین اجتماعی به وسیله کارگزاران رژیم و تحمیل هزینه های کلان دهها برنامه مختلف رژیم به این سازمان و بحرانی کردن شرایط آن، در سال های اخیر یورش به حقوق و اندوخته های کارگران با "اصلاحات پارامتریک" قوانین تأمین اجتماعی برای کاهش شدید مستمری و مزایای بازنشستگان نیز همراه گردیده است. تمام بخش ها و جناح های دستگاه حاکمه هم در این حمله ها شرکتی فعال داشته اند. مثلاً یورش اخیر معاون حقوقی حسن روحانی که نیاز به اصلاح "ترم افزار محاسباتی حق بیمه سنواتی" تأمین اجتماعی نیز داشت، هدفش "تهدید کردن مزد توافقی و بیمه توافقی" بود. هم زمان با ارزان سازی بیشتر نیروی کار، این طرح قصد وارد آوردن ضربه هایی شدید به تأمین اجتماعی بحرانی را نیز داشت. درحقیقت، طرح دوباره اصلاح قانون کار بخشی از برنامه کلی مقررات زدایی به سود تضمین امنیت سرمایه است.

درارتباط با موضوع اصلاح قانون کار و اصلاح قوانین تأمین اجتماعی، در یورش تازه به دستمزد کارگران و مستمری بازنشستگان که در واقع "ورشکستگی" سازمان تأمین اجتماعی را همچون توجیهی برای این یورش به کار می گیرند، ایلنا، ۶ اردیبهشت ماه، از امضای طرحی از سوی ۳۴ نفر از نمایندگان مجلس با نام: "توانمندسازی و پایداری سازمان تأمین اجتماعی" گزارش داد. بر اساس این طرح، رژیم ولایی قرار است "مبنای محاسبه مستمری بازنشستگان را از دو سال به بیست سال افزایش دهد". همچنین در مشاغل سخت و زیان آور هر سال سابقه کار سخت، به عوض یک سال و نیم، "فقط یکسال و دو ماه یا یکسال و سه ماه به حساب بیاید." در رابطه با تغییر مبنای محاسبه مستمری بازنشستگان، مسلماً با کاهش شدید ارزش پول ملی در عرض ۲۰ سال، میانگین دستمزد

ادامه در صفحه ۳

## جنبش کارگری - سندیکایی: ضرورت اتحاد عمل در مرحله کنونی

رشد و گسترش جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان، رخدادهای روز جهانی کارگر در تهران و شهرهای دیگر، ادامه کارزار اعتراضی بازنشستگان و مستمری بگیران با وجود افزایش فشار مستقیم و غیرمستقیم ارگان های امنیتی بر آنان، رأی دادگاه به خلعید از مجتمع هفت تپه و بازگشت مجتمع نیشکر هفت تپه به زیر پوشش بخش دولتی بر اثر مبارزات پیگیر کارگزارانش، تجمع کارکنان رسمی صنعت ملی نفت در تهران و اهواز، و به موازات این رویدادها درگرفتن بحث های نظری - سیاسی در ارتباط با چشم انداز و مسیر مبارزه جنبش سندیکایی زحمتکشان از جمله مهم ترین مسایل جنبش کارگری بوده اند. این رخدادها در ارتباط با تحول های صحنه سیاسی مانند تدوام بحران اقتصادی و رکود، کشمکش دولت و شورای نگهبان بر سر انتخابات ریاست جمهوری و بسط نظارت استصوابی، ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری آینده، راهبرد مهندسی پیچیده انتخابات با مدیریت ولی فقیه، سخنان خامنه ای از جمله در ارتباط با انتشار هدفمند فایل صوتی

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

## ادامه جنبش کارگری - سندیکایی: ...

محمدجواد ظریف، مذاکرات وین و چشم‌انداز مناسبات تهران- واشنگتن و لغو یا تعلیق برخی تحریم‌ها، در مجموع، موضوع‌های عمده صحنه سیاسی کشورمان در هفته‌های اخیرند.

ادامه اجرای برنامه ضدملی تعدیل ساختاری در بازه زمانی همه‌گیری بیماری کرونا اوضاعی به شدت ناگوار برای معیشت و امنیت شغلی طبقه کارگر و زحمتکشان کشور پدید آورده است. "دستکاری" ردیف‌های بودجه سال ۱۴۰۰ در مجلس شورای اسلامی و در پی آن افزایش بودجه بنیادها و ارگان‌های امنیتی و انگلی هم‌زمان با طرح دوباره اصلاح قانون کار به سود کلان‌سرمایه‌داران، ماهیت رژیم ولایت فقیه و عملکردش را بیش از پیش نزد توده‌های کارگر افشا می‌کند. به علاوه، موضع‌گیری ولی فقیه در سخنرانی عصر یکشنبه ۱۲ اردیبهشت‌ماه امسال او به‌ویژه آن بخش که سالوسانه به "شان و جایگاه کارگر" پرداخت، بی‌تردید نشان دهنده تأکید بر ادامه یافتن برنامه‌های ضد کارگری است. خامنه‌ای که سازوکار یک نمایش انتخاباتی را تدارک و تنظیم کرده است، در راستای تأمین منافع قانون‌های قدرت و ثروت در چهارچوب حفظ نظام، بار دیگر نقش بخش خصوصی را عمده و اصلی نمایاند. ایسنا، ۱۲ اردیبهشت‌ماه، در این باره گزارش داد: "ایجاد روابط عادلانه میان کارگر، کارآفرین و دولت ابعاد دیگر موضوع حمایت از کارگر است. ایشان برنامه‌ریزی صحیح برای ایجاد اشتغال و پیگیری دقیق و منضبط آن و همچنین استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال را کمک بزرگ به... کشور خواندند." آیا این موضع‌گیری خامنه‌ای یک روز پس از روز جهانی کارگر و تأکید و پافشاری‌اش بر خصوصی‌سازی اتفاقی می‌تواند باشد؟ پاسخ به این پرسش روشن است. به‌طور معمول این موضع‌گیری‌ای اتفاقی و به‌منظور حمایت از سیاست‌های اقتصادی از سوی خامنه‌ای نمی‌تواند باشد. فراموش نباید کرد مبارزه علیه خصوصی‌سازی یکی از عرصه‌های مهم پیکار طبقه کارگر و زحمتکشان میهن‌مان است. این خواست در شعارهای اول ماه مه امسال نیز از سوی کارگران و حرکت‌های سندیکایی همراه با تأکید ابراز گردید. بنابراین، موضع‌گیری‌های علی خامنه‌ای آن هم در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری و پافشاری بر ادامه خصوصی‌سازی نباید و نمی‌تواند اتفاقی باشد. در واقع ولی فقیه با تأکید بر برنامه ویرانگر خصوصی‌سازی، رؤس کلی برنامه‌های نظام و مبنای سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی پس از آغاز به‌کار کردن دولت تازه برگمارده شده پس از نمایش انتخابات ریاست‌جمهوری در خرداد ماه ۱۴۰۰ را دارد تعیین و اعلام می‌کند. در این زمینه باید به مسئله خلع‌ید از مالک مجتمع نیشکر هفت‌تپه اشاره کرد. نباید تردید داشت که خلع‌ید از مالک بخش خصوصی هفت‌تپه در درجه اول دستاورد مبارزه پیگیر کارگران این مجتمع بزرگ صنعتی و کشاورزی است. این یک گام به‌پیش، یک موفقیت مرحله‌ای بر ضد خصوصی‌سازی است. علاوه بر این، باید تأکید کنیم بازگشت به زیر پوشش بخش دولتی تأمین همه مطالبات یا دست‌کم عمده‌ترین مطالبه‌های کارگران سبب نمی‌گردد و لاجرم نمی‌باید مبارزه برای تأمین امنیت شغلی، لغو قراردادهای موقت، و توقف خصوصی‌سازی به همین جا و در همین نقطه محدود شود. بازگشت به زیر پوشش بخش دولتی پایان مبارزه نیست، بلکه گامی است پیروزمندانه که باید ادامه یابد. نباید از یاد ببریم که خصلت طبقاتی حاکمیت دولتی و سمت‌گیری سیاسی‌اش هدف‌ها و عملکرد بخش دولتی و نیز ماهیت تجدید تولید را معین می‌کند. به‌این ترتیب و براساس خصلت طبقاتی حکومت جمهوری اسلامی، باوجود کامیابی کارگران هفت‌تپه، مبارزه بر ضد خصوصی‌سازی و تأمین امنیت شغلی ادامه خواهد یافت. رژیم ولایت فقیه، تشکیل‌های زرد حکومتی، و ارگان‌های امنیتی همراه با عنصرهایی ناسالم و نفوذی کوشیده‌اند و می‌کوشند مبارزه کارگران واحدهای مختلف را در چهارچوب هرواحد محدود کرده و از پیوند اعتراض‌ها به یکدیگر مانع شوند. نمونه هیکو، ماشین‌سازی تبریز، و آذربایجان واقعیت است. این را نیز بیفزاییم که معاون سازمان خصوصی‌سازی با صراحت اعلام کرد که مجتمع هفت‌تپه زیرمجموعه شرکت مادر تخصصی "ایدر" قرار می‌گیرد و هنوز برگشت هفت‌تپه به‌صورت مکتوب ابلاغ نشده است. در این باره اقتصادآنلاین، ۲۶ اردیبهشت‌ماه، در گزارشی نوشت: "معاون سازمان خصوصی‌سازی در مورد شرکت هفت‌تپه عنوان کرد هنوز به‌صورت مکتوب به‌سازمان خصوصی‌سازی ابلاغ نشده... وقتی شرکتی به‌دولت بر می‌گردد، زیر نظر شرکت مادر تخصصی خود که در اینجا ایدر به‌عنوان شرکت مادر

تخصصی است قرار می‌گیرد... شرکت هفت‌تپه از محل عملیات و تولید درآمد دارد، اما کسری بودجه داشت... این بدان معنی است که بازگشت هفت‌تپه به زیر پوشش بخش دولتی به‌لحاظ حقوقی زمان‌تر خواهد بود و این زمان‌تر بودن اهرمی در دست رژیم برای مقابله با خواست به‌حق کارگران به لغو خصوصی‌سازی این مجتمع خواهد بود.

برپایه آنچه اشاره شد، سال جاری را سال فشار بیشتر بر ضد جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی باید ارزیابی کرد. جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما برای رویارویی با این وضعیت ضمن شدت بخشیدن به مبارزه و حفظ استقلال عمل طبقاتی، با یک رشته مسئله‌های نظری، سیاسی، و سازمانی هم‌روبرو است که باید با حل عاجل آن‌ها یا ارایه راهکارهایی صحیح درباره آن‌ها نقش و حضورش را در صحنه سیاسی کشور پررنگ و تقویت کند. ما در شماره‌های آینده به این مسئله‌های مهم نظری - سیاسی جنبش سندیکایی خواهیم پرداخت و دیدگاه‌های اصولی حزب توده ایران را بیان می‌کنیم. اما پیش از آن و با توجه به تجربه چند هفته اخیر ضروری است سیاست، روش‌ها، و نقشه‌های توطئه‌آمیز رژیم و تشکل‌های زرد حکومتی را بهتر بازشناسیم و به راه‌های مقابله مؤثر با آن‌ها اشاره کنیم. رژیم ولایت فقیه با توجه به گسترش جنبش اعتراضی زحمتکشان در چهارگوشه کشور و ژرفای نارضایتی عمومی مردم، سیاست‌هایی مشخص تدوین کرده و به‌اجرا گذاشته است. این سیاست‌ها متناسب با موقعیت زمانی‌ای معین شکل‌هایی متنوع به‌خود می‌گیرد. از سویی عنصرهایی ناسالم و نفوذی سبب تفرقه و پراکندگی در جنبش می‌شوند و از دیگری تشکل‌های زرد حکومتی با همدستی ارگان‌های امنیتی در صدور مهار اعتراض‌ها و ال‌ترناتیوسازی در برابر حرکت‌های سندیکایی برمی‌آیند. نکته پراهمیت اینجاست که حکومت جمهوری اسلامی به‌هدف مقابله با جنبش کارگری، روی شکاف‌ها تمرکز می‌کند و سیاست‌هایش را به‌منظور ایجاد تفرقه و انفجار حرکت‌های سندیکایی از درون‌شان تنظیم می‌کند. روی دیگر این سیاست فرسایشی کردن مبارزات کارگری به‌قصد نامید ساختن توده‌های کارگر از مبارزه با ابزار تهدید و تطمیع فعالان سندیکایی و بازداشت‌های گزینشی آنان است. تشکل‌های زرد حکومتی همچنین به‌یاری عنصرهایی ناسالم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برخی موضوع‌های انحرافی و نادرست را زیر پوشش مطرح کردن مسئله‌های نظری و سیاسی مرتبط با جنبش سندیکایی در سطحی گسترده رواج و انتشار می‌دهند. در مطرح کردن این موضوع‌های به‌ظاهر دغدغه‌برانگیز برای کارگران اما فریبکارانه و مخرب در واقعیت امر، ناممکن جلوه دادن وحدت سندیکایی و اتحاد عمل فراگیر جزو هدف‌های اصلی رژیم است.

برای آنکه بتوانیم این توطئه‌ها را خنثی کنیم و قدم‌هایی مؤثر برای تقویت جنبش کارگری و سندیکایی به‌پیش برداریم تجربه به ما می‌آموزد به اتحاد عمل فراگیر و وحدت عمل سندیکایی نیازمندیم. دیدگاه‌ها و سلیقه‌های متفاوت داشتن نقطه ضعف ما یا به‌طور کلی نقطه ضعف جنبش سندیکایی نیست، بلکه به‌عکس نقطه قوتی در مبارزات سندیکایی است که از بوته آزمون تاریخ سربلند بیرون آمده و درستی آن اثبات شده است. با وجود همه تفاوت‌های دیدگاهی و سلیقه‌ای در جنبش سندیکایی، وحدت سندیکایی و اتحاد عمل فراگیر ممکن و گریزناپذیر است. شرط کامیابی در این عرصه، ارتباط مؤثر با توده‌های کارگر و دفاع بی‌خداش از حقوق آنان با هر عقیده و سلیقه‌ای است. در همین ارتباط نکته‌ای دیگر که اشاره‌ای حتی گذرا به آن مهم می‌نماید عبارت است از: بحث‌های سالم نظری - سیاسی درباره چشم‌انداز، ظرفیت‌ها، وظایف، و آینده حرکت‌های سندیکایی کشور. چندی است که بحث ایجاد "شورای همکاری" مطرح شده است و از سوی دیگر هم با بحث لزوم تشکیل "بلوک کارگری و عدالتخواه" نیز روبرویم. این بحث‌ها در جای خود می‌تواند کنکاشی برای اتحاد عمل فراگیر محسوب شود که در این صورت بسیار مفید است. هر بحث نظری باید با وضعیت و وظایف جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی در این مرحله منطبق باشد. نکته مرکزی در هرگونه بحث و اقدامی تأمین حضور توده‌های کارگر و دفاع از حقوق آنان را می‌باید در بر داشته باشد. در زمینه همکاری و شکل‌های آن که با موضوع‌های عاجل نظری - سیاسی جنبش سندیکایی مرتبط است بعداً سخن خواهیم گفت. به‌اعتقاد ما در مرحله کنونی و اصولاً در مبارزات سندیکایی مبنای عمل باید در وحدت سندیکایی و اتحاد عمل فراگیر باشد.

جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی برای آنکه بتوانند نقش خود را در صحنه سیاسی و در مبارزه طبقاتی و در دفاع از حقوق صنفی و سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان تقویت و تحکیم کند، به‌وحدت سندیکایی و اتحاد عمل فراگیر بیش از هر زمان دیگری نیازمند است.

## ضرورت ایجاد شکل سندیکایی برای تحقق مطالبه‌های نفتگران

با تقسیم کارگران در لایه‌های رسمی‌ای مختلف که عبارتند از قراردادی، پیمانکاری، شرکتی، مدت موقت، مدت معین، حجمی، و ارکان ثالث، و به کار بردن آن‌ها به‌وسیله پیمانکاران و دلالتان نیروی کار دست‌اول تا دست‌چندم در تمام عرصه‌های تولید و خدمات، و با تحمیل انواع مختلف تبعیض مزدی، کاری، بیمه‌ای، درمانی، و رفاهی به‌قصد تفرقه‌افکنی بین کارگران، رژیم ولایی به‌طرزی فاجعه‌بار بهره‌کشی از نیروی کار در کشورمان را نهادینه کرده است. در صنعت نفت کارگران رسمی از دستمزدهایی حتی تا چهار برابر دستمزد کارگر مدت موقت هم رده‌ی خود و به‌همراه مزایا برخوردار بوده‌اند. در حال حاضر حدود ۳۴ هزار کارگر قرارداد موقت و ۱۲۰ هزار کارگر پیمانکاری در صنعت نفت مشغول به‌کارند. روز ۱۹ اسفندماه ۱۳۹۹ کارگران مدت موقت وزارت نفت با سفر به تهران و اعتراض به "رسمیت یافتن تبعیض" میان خود با نیروهای رسمی مقابل مجلس تجمع کردند. همچنین با اعلام قبلی، در روز ۲۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ عده‌کنیری از کارگران رسمی نفت با خواست "برداشته شدن محدودیت‌های حقوقی"، "رفع مشکل انتقالی کارکنان"، "تغییر اساسنامه صندوق‌های بازنشستگی نفت"، و "اصلاح قانون مالیات" در مقابل مجلس در تهران و همچنین در اهواز تجمعی اعتراضی برگزار کردند. در پاسخ به این مطالبه‌های نفتگران، وزارت نفت مشکل را ناشی از مصوبه‌های مجلس دانست و در گرماگرم کشمکش‌های جناحی توب را به زمین مجلسیان انداخت. نه مجلس، نه دولت، و نه قوه قضاییه هیچ‌کدام پاسخگوی خواست‌های به‌حق کارگران صنعت نفت نبوده و نیستند.

پس از اعتراض‌های گسترده کارگران نفت در تابستان ۱۳۹۹، کارگزاران رژیم ولایی دادن وعده‌های بی‌پشتوانه خود را کنار گذاشتند و در واقع دلیل به‌کارگیری دلالتان نیروی کار را (که ازجمله مورد اعتراض کارگران نیز بود) خیلی واضح و روشن اعلام کردند. در تلاشی برای حفظ حالت تهاجمی و بدون اینکه به "فاش" کردن سیاست رژیم برای بهره‌کشی حداکثری و ارزان‌سازی نیروی کار نیازی باشد، موسی احمدی، نایب رئیس اول کمیسیون انرژی مجلس، به ایلنا، ۱۰ دی‌ماه ۹۹، گفت: "مجلس هیچ طرحی برای حذف پیمانکاران ندارد." در توصیف یکی از اهداف رژیم در به‌کارگیری دلالتان نیروی کار و آگاهی کامل رژیم از عملکرد ضد انسانی واسطه‌ها، احمدی همچنین افزود: "اگرچه تمام اعتبار لازم از سوی کارفرمای مادر تأمین می‌شود ولی پیمانکار تخلف می‌کند و حق کارگر را پرداخت نمی‌کند. ... در برخی از پروژه‌ها، به‌وسیله نیروهای واسطه‌ای، بین کارفرما و کارگر فاصله ایجاد می‌کنیم."

روزنامه اعتماد، ۲۷ اردیبهشت‌ماه سال جاری، از افزایش غیررسمی ۵۰ درصدی نان، افزایش ۷۲ درصدی قیمت شکر، و "چهار بار" افزایش قیمت روغن از سال ۹۹ به این سو، گزارش داد. در یک‌چنین شرایطی، رژیم ولایی به تحمیل فقر مطلق به طبقه کارگر کشورمان به‌وسیله دلالتان نیروی کار بسنده نکرده و در ماه‌های اخیر به کاهش دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر آنها نیز آغاز کرده است. بر اساس گزارش ۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ خبرگزاری ایلنا، با تغییر پیمانکار و به "بهبود همسان‌سازی و یکسان‌سازی" دستمزدها، کارگزاران رژیم برپارس جنوبی عملاً به کاهش "پایه حقوق" و حذف مزایای مزدی نظیر "سنوت، حق مسکن، حق جاده، حق سفر، حق لباس" نیز آغاز کرده‌اند. این کارگران بیش از ۸۰۰ هزار تومان از دستمزد ماهیانه‌شان را از دست داده‌اند. تجمع و اعتراض کارگران و کارکنان رسمی صنعت ملی نفت ایران در شهرهای تهران و اهواز نشان دهنده نارضایتی عمیق نفتگران کشور از سیاست‌ها و عملکرد رژیم ولایت فقیه است. برای تحقق مطالبه‌های به‌حق کارگران صنایع نفت و گاز ایجاد و احیای تشکل سندیکایی اولوبتی چشم‌پوشی ناپذیر است.

## ادامه اعتراض‌های فزاینده کارگران معدن کرمان

مطالباتشان و همچنین خواستار خلع ید از کارفرمای فعلی بخش خصوصی هستند. اسماعیل محمودی، نماینده کارگران به "اقتصاد ۲۴" از جمله گفت: "تنها پس از اعتراضات کارگران بالاخره معوقات مزدی کارگران تسویه شد. در عین حال یکی از مطالبات کارگران بازنگری در طرح طبقه‌بندی مشاغل است. این طرح از سال ۷۸ که اجرایی شده هنوز بازنگری نشده است. همچنین کارهای سخت و زیان آور موضوع ماده ۵۲ قانون کار که با محوریت کاهش ساعات کار است." بر اساس همین اظهارات در حالی که قانون کار تسریع کرده است که کارهای سخت و زیان آور نباید از ۳۶ ساعت در هفته تجاوز نماید در معادن ساعات کاری بیش از ۱۴۴ ساعت است.

نماینده کارگران در همین مصاحبه افزود که: "یکی از نگرانی‌های کارگران ورود پیمانکاران به این کارگاه است. به خوبی می‌دانیم قرارداد با پیمانکاران عملاً راهکاری برای تضییع حقوق کارگران است. کارگران پیمانکاری تبعیض زیادی تحمل می‌کنند و در عین حال ما نگران هستیم با ورود پیمانکار اخراج کارگران افزایش یابد. کارفرما تهدید کرده بود در صورتیکه با پیمانکار قرارداد نیندیم شرکت را تعطیل خواهد کرد که کارگران این مسئله را نپذیرفتند. اکنون نیز کارگران اعلام کرده‌اند که زیر بار قرارداد با پیمانکار نمی‌روند و تنها در صورت امضای قرارداد کاری با شرکت اصلی حاضر به کار هستند. کارگران با همین مطالبه از ۲۸ اردیبهشت‌ماه جاده بندرعباس-کهنوج را مسدود کرده‌اند."

در پی انتشار اخبار مبارزه دلیرانه کارگران معدن کرمان برضد تعدیات کارفرمای وابسته به رژیم "شبکه بین‌المللی سندیکایی همبستگی و مبارزه" که متشکل از بیش از ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در سراسر دنیا با انتشار بیانیه‌ای همبستگی خود را با مبارزات کارگران معدن کرمان اعلام کرد.

## ادامه اصلاح دوباره قانون کار! ...

مثلاً کنونی و دستمزد ۲۰ سال پیش، تقریباً به نصف دستمزد کنونی کاهش می‌یابد. بر اساس گزارش ۲۷ اردیبهشت‌ماه ایلنا، در دیدار وزیر کار و نماینده‌های تشکل‌های کارگری دست‌ساز حکومتی با نمایندگان مجلس در روز ۱۲ اردیبهشت‌ماه "نمایندگان مجلس حملات تندیه به قانون کار، حداقل دستمزد و قانون تأمین اجتماعی" کردند. محبی نجم‌آبادی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، در گفتگویی با ایلنا، ۲۰ اردیبهشت‌ماه، و با اعلام اینکه "صندوق‌های بازنشستگی در آستانه ورشکستگی‌اند" و با اقرار به اینکه "دولت سال‌هاست که بدهی‌های خود را به صندوق تأمین اجتماعی پرداخت نکرده [است]... توانایی و توانمندی تأمین اجتماعی را بسیار کاهش داده‌ایم". گفت: "کلیت طرح را ما به‌عنوان امضا کنندگان آن قبول داریم." در حمله اخیر دیگری به حداقل دستمزد کارگران، معاون روابط کار وزارت کار نیز گفته است: "وجود قانون حداقل مزد، هنگامی که بیکاری روبه افزایش است، ممکن است منجر به گسترش اشتغال غیررسمی و پرداختن به کارهایی با مزد کمتر از حداقل قانونی شود" [ایلنا، ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰]. ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، در انجام وظیفه‌اش در یورش به حقوق کارگران، ۱۱ فروردین‌ماه نیز "سن بازنشستگی در کشور" را "یک معضل بزرگ" دانست و از بررسی این "معضل بزرگ" در مجمع تشخیص مصلحت نظام خبر داد. حمله‌ها به دستمزد کارگران و قانون کار در شرایطی تشدید می‌شوند که ایلنا، ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰، از کاهش "سهم کارگران از هزینه‌های تولید صنایع" از ۱۲ درصد به ۶ درصد بین سال‌های ۸۳ تا ۹۴ گزارش داد: و مطابق گزارش ۱۹ فروردین‌ماه ایلنا، حداقل دستمزد نیروی کار کشور بر حسب دلار از ۱۹۵ دلار در سال ۱۳۹۳، به ۷۶ دلار در سال ۱۳۹۸، و به‌زیر ۷۰ دلار در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. اصلاح قانون کار همان‌گونه که اشاره کردیم بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه ضد کارگری آزادسازی اقتصادی، ارزان‌سازی نیروی کار، و ادامه سیاست سرکوب مزدی است. باید متحد و یکپارچه با چنین برنامه‌هایی ضد کارگری مقابله کنیم.



## سندیکاهای کارگری علیه کاهش مستمری و افزایش سن بازنشستگی مبارزه می کنند!



نه" به افزایش سن بازنشستگی، "آری" به تقسیم عادلانه ثروت

افزایش یافتن سن بازنشستگی تا ۶۹ سالگی، بدون آنکه تفاوت کند کجا انجام می شود و کدام شغل مدنظر است، به طور مثال تفاوت نمی کند در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان یا در کارخانه ریخته گری یا در کارگاه های صنعت ساختمان کار انجام شود. این مطالبه دیرینه اتحادیه کارفرمایان طی هفته های گذشته از سوی مؤسسه های پژوهشی اقتصاد و برخی از صاحبان صنایع و مدیران شرکت ها دوباره مطرح شد.

کارشناسان اقتصادی مرتبط با اتحادیه کارفرمایان با تأکید بر این استدلال قدیمی که تغییرات جمعیتی مانند افزایش بازنشستگان و کاهش نیروی کار جوان عاملی در افزایش سن بازنشستگی است، بحران همه گیری ویروس کرونا را نیز به این عامل اضافه کرده اند. در مقدمه پژوهش های منتشر شده از سوی وزارت اقتصاد آلمان چنین آمده است: "با توجه به افزایش هزینه ها و گسترش همه گیری ویروس کرونا، بودجه عمومی امسال با کسری ای برابر ۱۵۹ میلیارد یورو روبرو خواهد شد. مجموع کسری بودجه دولت در امسال نسبت به تولید ناخالص ملی حدود ۴/۵ درصد ثابت خواهد ماند و در سال آینده فقط ۱/۶ درصد کاهش خواهد داشت. سیاست اقتصادی پس از بحران کرونا مسلماً با چالش و معضل روبرو می شود و برای غلبه بر این چالش باید بودجه عمومی را بر پایه یکسری سخت گیری ها و ریاضت ها برنامه ریزی کرد. قبل از هر چیز و با توجه به تغییرات جمعیتی، افزایش سن بازنشستگی و کاهش مستمری بازنشستگان باید در این برنامه در نظر گرفته شود تا مشکل کسری بودجه و درآمدهای دولت برطرف گردد."

آنچه در نگاه اول به این طرح جلب توجه می کند عنوان پرطمطراق دادن به یک پژوهش است. باید گفت این پژوهش چیزی نیست جز یک برنامه راهبردی از طرف حاکمان برای استتار بحران زیر پوشش به اصطلاح نظریات علمی. با تکیه بر این نظریه ها، سنگینی بار حاصل از بحران همه گیری کرونا و تأمین مالی آن را بر دوش کارگران و زحمتکشان با این عنوان که گزینه دیگری وجود ندارد، می توان انداخت.

تحمیل افزایش سن بازنشستگی موضوعی جدید و نسخه ای اصلی و بی بدیل به حساب نمی آید. در سال ۲۰۱۹ افزایش سن بازنشستگی تا ۶۹ سالگی از طرف اتحادیه کارفرمایان آلمان درخواست شد. قبل از پدید آمدن همه گیری ویروس کرونا، با این استدلال که با افزایش کیفیت زندگی، امید بازنشستگان به زندگی افزون تر گشته است، اقدام به سرقت حق و حقوق بازنشستگان کردند. همین بحث ها و استدلال ها را مجدداً در روزنامه

"دیدنی های فرانکفورت" می توان مشاهده کرد: "تعداد افرادی که بازنشسته می شوند بسیار بیشتر از افرادی است که جذب بازار کار می شوند. در سال های آینده باز هم به تعداد بازنشستگان افزوده خواهد شد. از طرف کارشناسان محاسبه شده که در آینده، هر سال تعداد ۴۰۰ هزار کارگر بازار کار را ترک خواهند کرد."

با همین استدلال می توان نظریات خطرناکی را هم به اثبات رساند، مانند این نظر که با کاهش عظیم تعداد کارکنان صنایع کشاورزی از سال ۱۹۵۰ / ۱۳۲۹ وضعیت تهیه مواد غذایی در آلمان قویاً به خطر افتاده است. وقتی صحبت از تولید محصولات کشاورزی می شود، دیگر نظر تغییرات جمعیتی نمی تواند عاملی تعیین کننده باشد، بلکه عامل مهم، بهره وری و حجم تولید است. با همین روش مشغول محاسبه و پرداخت کردن مستمری بازنشستگان هستند. عامل مهم و تاثیرگذار برای پرداخت مستمری، بهره وری و محاسبه دقیق تولید ثروت عمومی و توزیع عادلانه آن است، نه نسبت سهمی که از طرف بیمه شدگان پرداخت می شود.

برخلاف نظر به اصطلاح کارشناسان علوم اقتصادی معتقد به نسخه های نولیبرالی، اتحادیه سراسری سندیکاهای کارگران آلمان از کارشناسان واقعی در رابطه با موضوع بازنشستگی و مدت کارکرد کارگران، کارگرانی که قرار است نیروی کارشان را تا پیرشدن بفروشند، نظرخواهی کرد.

به این ترتیب بانظر کارشناسان و پژوهشگران اقتصادی متن "شاخص کار مفید" از طرف اتحادیه سراسری سندیکاهای کارگران آلمان تدوین گردید. در متن "شاخص کار خوب از طرف اتحادیه سراسری کارگران آلمان" در مجموع نتیجه گیری دیگری به دست آمده است. خواست یکی از هر دو کارگر شاغل آن است که با قوانین و شرایط کنونی بازنشسته شوند. تقریباً ۵۰ درصد از کارگرانی که از آنان پرسش شده است اعلام داشتند که با مستمری هایی که در آینده در نظر دارند به آنان پرداخت کنند، نخواهند توانست معاش زندگی شان را تأمین کنند. بنابراین، به جای سرقت دائمی از مستمری بازنشستگان و افزایش سن بازنشستگی، باید روند انتقال به دوران بازنشستگی بدون هیچ گونه ضرر و زبانی در حق بازنشستگان در دستورکار قرار گیرد.

ترجمه از: روزنامه "عصر ما"، نشریه حزب کمونیست آلمان (د.ک.پ)، دهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

<https://www.unsere-zeit.de/diagnose-abenteuerliche-thesen-145389/>

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
<http://www.tudehpartyiran.org>  
 آدرس های اینترنت و «ای-میل»  
 E-Mail: [dabirkhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirkhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۴۶  
 Nameh Mardom - Workers Supplement No.46

24 May 2021

شماره فاکس و تلفن  
 پیام گیر ما

004930  
 23629727

